

گان و ماسک به جای پوشش مخصوص

پرستاران مشهدی از حذف پوشش کاورال گله دارند

اما مسئولان دانشگاه این تصمیم را براساس شیوه‌نامه‌ای کشوری می‌دانند



تکتم جاوید	
t.javid@shahranews.ir	
 تکتم جاوید	
لباس کار، زمانی ضرورت پیدا می کند که قرار باشد ساعت‌های طولانی را در محیطی بهمانیم که خطر بیماری زایی سریع و مرگ وجود داشته باشد. این اتفاق حدود یک‌سال است برای پرستاران بیمارستان‌های درگیر کووید ۱۹ افتاده است. پوششی سنگین و محافظتی سخت	

- استفاده از گان به‌جای کیت مخصوص

«چندی است در بخش عفونی بیمارستان امام‌رضاع) که مخصوص بیماران مبتلا به کروناست، تصمیم عجیبی گرفته شده است؛ حذف پوشش کاورال پرستاران و استفاده از گان به‌جای کیت مخصوص.» این بخش ابتدایی گلایه یک شهروند است. وی در ادامه با ابراز نگرانی از افزایش میزان مبتلایان به کرونا در میان پرستاران نوشته است: «از زمانی که این تصمیم گرفته شده است، پرستاران به ترتیب درگیر کرونا شده و مجبور به گرفتن مرخصی استعلاجی شده‌اند. همه این‌ها درحالی است که پزشکان همچنان از کیت مخصوص استفاده می‌کنند.» وی و همسرش یک ماه پیش به کرونا مبتلا شده‌اند و نگرانی‌شان از ابتلای دوباره است.

حق خواه شهروند دیگری است که گلایه‌ای مشابه دارد: «آنچه شنیدیم، این است که براساس یک شیوه‌نامه، ضرورت پوشش کاورال یا همان لباس‌های سراسری پرستاران حذف شده و در بخش‌های بیمارستان پوشش محافظ همان گان، ماسک و شیلد است.»

همسر آقای علمی هم پرستار یکی از بیمارستان‌های دولتی است. او معتقد است ابتلای همسرش به کرونا به‌علت حذف پوشش کاورال بوده است؛ «همسرم از اسفند پارسال در سلامت کامل مشغول به کار بود اما مدت کوتاهی که از تغییر پوشش گذشت، به کرونا مبتلا شـد. چند نفر از همکارانش هم درگیر کرونا شده‌اند.»

خسروی پزشک بیمارستان درگیر کرونا نیست اما از موضوع تغییر کاورال و اعتراض‌های پرستاران خبر دارد و می‌گوید: پرستاران چون مدت طولانی این پوشش را دارند، تعریق باعث ازبین‌رفتن خاصیت آن و ابتلا به کووید می‌شود اما پرستاران فکر می‌کنند مسائل مالی در میان بوده است؛ زیرا قیمت هر دست لباس ۲۵هزار تومان است که هر روز باید برای هر پرستار و پزشک هزینه شود.

- تعریق لباس

هفته گذشته محمدرضا رحیمی، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌های مشهدی با اعلام اینکه حذف لباس‌ها براساس شیوه‌نامه کشوری و پروتکل جهانی صورت گرفته است، این گونه توضیح داد: پرستاران بخش‌ها دست کم هفت‌ساعت در روز این لباس‌ها را پوشیده‌اند و تعریق، قابلیت مقابله با ویروس لباس را از بین می‌برد. گفته‌های رحیمی و پرستاران معترض، حاکی از آن است که لباس کاورال همچنان به پزشکان بخش‌ها داده می‌شود و استدلال مسئول این است که مدت حضور پزشک در بخش کمتر از یک‌ساعت و تنها برای ویزیت است و مشکلی ایجاد نمی‌کند.

جست‌وجوی کوتاهی در اینترنت برای توصیف ویژگی‌های لباس‌های ایزوله، چندجمله‌ای است که یکی از آن‌ها به گزارش ما مربوط می‌شود: «ضد تعریق و جلوگیری از تعریق شدید هنگام استفاده طولانی.» بدیهی است پوششی که قرار است از جان یک فرد محافظت کند، نباید به مدت خاصی برای استفاده محدود شود و با یک تعریق ساده، خاصیت خود را از دست دهد.

- فقط دربخش کووید

تماس‌های پی‌درپی ما با مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای دریافت اظهارنظر آنان بدون نتیجه می‌ماند. اما سرانگی از محسن گچ‌پزان، رئیس هیئت‌مدیره نظام پرستاری، مشهد می‌گیریم تا ماجرا را توضیح دهد. گفته‌های وی اما ماجرا را کمی پیچیده‌تر می‌کند: زیرا می‌گوید: حذف لباس‌های مخصوص و سراسری فقط در بخش‌هایی که فیلد کرونا نیستند، صورت گرفته‌است.

وی ادامه می‌دهد: براساس شیوه‌نامه‌های وزارت بهداشت، پوشیدن لباس در بیمارستان‌های امام‌رضاع)، شریعتی و اکبر که بیمار کووید دارند، اجباری است اما پرستاران دیگر بخش‌های بیمارستانی، تنها ملزم به پوشیدن گان و ماسک هستند.

گچ‌پزان با وجود شنیدن اعتراض‌های پرستاران تأکید می‌کند: پروتکل‌های بهداشتی با جدیت رعایت می‌شود و پرستارانی که به کرونا مبتلا شده‌اند در دیگر بخش‌ها مشغول به کار بوده‌اند. بخش‌های عادی بیمارستانی مانند فضاهای شهری هستند. مگر در خیابان یا چنین لباس‌هایی رفت‌وآمد می‌کنیم؟ البته احتیاط اولیه مانند ماسک باید در همه جا رعایت شود.

وی ادامه می‌دهد: در یک‌سال اخیر پرستاران بسیاری از بخش‌های بیمارستانی کاورال نمی‌پوشیدند؛ چون بیمار مبتلا به کووید نداشتند و اکنون بسیاری از پرستاران از حذف اجبار پوشیدن این لباس راضی هستند، زیرا کار کردن با آن‌ها طاق‌ت‌فرساست.

- پوشش کاورال حذف می‌شود

برای اطمینان از پوشش کنونی پرستاران بخش‌های درگیر کووید با مسئول یکی از بخش‌های آی‌سی‌یو تماس می‌گیریم. وی استفاده کنونی از پوشش سراسری (کاورال) برای پرستاران بخش کووید را تأیید می‌کند اما توضیح بیشترش درباره حذف احتمالی آن تا چندروز آینده، علت این تغییر رویکرد را کمی روشن می‌کند: «این تغییر رویه براساس برخی مقالات علمی صورت می‌گیرد. تحقیقات و بررسی‌های جهانی نشان داده است که پوشیدن این لباس تأثیر چندانی در پیشگیری از ابتلا به کرونا ندارد. بررسی‌ها در حال تکمیل شدن است؛ به‌همین دلیل به احتمال فراوان تا پایان همین هفته یا هفته بعد، این پوشش برای پرستاران بخش‌های کرونا هم حذف خواهدشد.»

حذف لباس‌های مخصوص و سراسری فقط دربخش‌هایی که فیلد کرونا نیستند، صورت گرفته‌است. براساس دستورالعمل‌های وزارت بهداشت، پوشیدن لباس در بیمارستان‌های امام‌رضاع)، شریعتی و اکبر که بیمار کووید دارند، اجباری است اما پرستاران دیگر بخش‌های بیمارستانی، تنها ملزم به پوشیدن گان و ماسک هستند

روزنامه شهرامیدوزندگی

۳۰شنبه۲۱ بهمن ۱۳۹۹۱۵مهرماه ۱۳۹۹

۴۰



جامعه

۴۰



گزارش روز

–داداش یه چی می خوام واسه گذاشتن داخل صندوق ماشین تا از خودم محافظت کنم. اینا خوبه؟

–آره داداش، خوبه. گردن‌زن هم خوبه. دایرکت در خدمتم.

کسب و کارشان رونق دارد. از پست‌هایی که پیوسته در این صفحه اینستاگرامی بارگذاری می‌شود و لایک‌ها و کامنت‌های فالوور‌ها، این‌طور به نظر می‌رسد. از تکیه کلام‌هایشان پیداست ما یل‌اند لوطی مسلک به نظر برسند؛ البته با تعریف خودشان، هرکدام هم با یک مدل سلاح سرد صفا می‌کنند؛ ابزاری که حتی تماشایشان هول به دلت می‌اندازد و هرچه فکر می‌کنی برایشان جز نزاع، قدرت‌نمایی و زهر چشم گرفتن، کارکرد دیگری پیدا نمی‌کنی. خرید و فروش‌هایشان، بوی خشونت می‌دهد؛ بوی اتفاقات نیامده، بوی خون...

- عقاب ایران اروحت شادا

قیمت‌ها نازل است و با جمع کردن پول توجیبی یک بچه مدرسه‌ای، از نوع نه خیلی مایه‌دارش هم می‌شود خرید؛ هرمدلش را که بخواهی، قیمت چاقوی پنجه‌بکسی ۲۰۰هزار تومان است؛ ۲۰،۲۰۰هزار تومان بالاترش هم پیدا می‌شود. ستاره نینجا را چون «داداش گلی» هستیم، می‌دهد ۹۸هزار تومان، چاقوی پرتابی هم ۱۲۰هزار تومان. ادمین بازار گرمی می‌کند و با تعریف از انواع چاقوهای گردن‌زن، می‌گوید: ضخامتش ۷میل، غلاف مخصوص هم دارد. تیغش از نیم متر هس تا ۸۵سانت. از ۳۴۰تومن فی می‌خوره تا ۴۲۰. قیمت در بقیه صفحات اینستاگرامی، توی همین مایه‌هاست. نمی‌شود خیلی بالا براند. فروشنده‌ها یکی و دو می‌نستند. دست زیاد است و مشتری می‌پرد. برخی جنس‌ها خاص‌ترند؛ مثلاً دستبندی که ظاهری معمولی دارد و دو سر گیره‌اش، حکم سر و ته غلاف‌شده یک تیغ کوتاه است. قابل شما را ندارد؛ ۲۵هزار تومان.

تولیدکننده‌ها، همان‌ها که از چتر نظارت قانون دور مانده‌اند، حساب حس و حال همه‌جور قشری را هم کرده‌اند. اگر فازت عشقی و هواخواهی باشد، هیچ‌کدام از پیشنهاد‌هایشان به گرد چاقوهای دنده‌ای طرح زخ نمی‌رسند. عکس‌های مینیاتوری از لیلی و مجنون روی دسته‌هایشان کار شده و ۲۰۰هزار تومان برای‌ات آب می‌خورد.

قمه استاتو... با تیغه ۶۰سانتی، دسته یکسره فیبر و وسط‌دسته‌استخوان هم هست. ادمین خلاصه می‌گوید که برای مراسم قمه‌زنی و غیره خوب است. غیره را هم که خودتان بهتر می‌دانید یعنی چه.

در یکی از صفحات، برای اثبات تیز بودن کار و اینکه کلمبیایی اصل است، فیلمی بارگذاری شده که طرف، چاقو را با مهارت روی ساق پا می‌کشد، طوری که پوست زخمی نشود. حالا سفیدی پا، بهتر از قبل خود را نشان می‌دهد؛ «به چیز پر قدرت که واسه همه‌چیز عالیه.» همه‌چیز از جنس همان «غیره» بالا. پرداخت بعد از تحویل رسید، ارسال با اتوبوس و ارائه تخفیف، از گزینه‌هایی است که برای رعایت حال مشتریان در نظر گرفته‌اند.

بازار فروش‌های مجازی در تلگرام هم برقرار است. چاقو دارند با دسته‌هایی حاوی تصاویر یکی از اراذل معروف پایتخت که تیر ۹۷ در زندان رجایی‌شهر کرج به قتل رسید. هشتک‌های «عقاب ایران روحت شاد»، «مشتی‌های بامعرفت بی‌ادعا»، «دعای خطرناک»، «خوبای ایران»، ... تیپ شخصیتی فروشنده‌گان سلاح‌های سرد را به خوبی نشان می‌دهد. اردبیل، زنجان و مشهد؛ نشان می‌دهند که ادمین‌ها این‌طور بارگذاری شده‌اند.

- سی‌دی، پاستور، چاقو

«سی‌دی، پاستور، کارت، اسپری لفل، چاقو» زیر لب می‌گویند و زوداژ کنار رد می‌شوند. پیشنهاد می‌دهند اگر از روی ظاهر حدس نزنند این‌کار هستی، از پنجره پایین‌خیابان تا چهارراه شهید ا یا به قول خودشان نادری، مشتری‌کشی می‌کنند. «واری که باشه، بیشتر می‌آن. چون بعضی استان‌ها

روایت شهرآرا از دسترسی آسان مردم به سلاح سرد که وسیله ارتکاب قتل در ۷۰ درصد درگیری‌های آنی است

کاهش حمل سلاح سرد؛ اکنون نوبت نقش آفرینی «فرهنگ» است



او درباره اینکه چرا تقاضا برای حمل سلاح سرد وجود دارد، به دلایل متعددی اشاره می‌کند. ابتدا به انواع بیماری‌های روانی که نیاز به مداخله روان‌پزشک دارند، نخستین دلیلی است وقوع آسیب‌های اجتماعی کمتر به آن توجه می‌شود. «دلیل دیگر، فرهنگ افراد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی، به قول مشهدی‌ها، از قدیم عادتشان این بوده است که پَر شالشان، یک چاقو هم داشته باشند. ذائقه آن‌ها با کارهای فرهنگی، باید تغییر کند و با صرف تشدید مجازات، در تمایل به حمل سلاح سرد، تغییری ایجاد نمی‌شود.» این حقوق‌دان ادامه می‌دهد: گروهی دیگر، کسانی هستند که به همراه داشتن، نمایش دادن و قدرت‌نمایی با سلاح سرد را جزو مفاخرشان می‌دانند. محیط زندگی و بافت فرهنگی‌ای که در آن رشد کردند، آن‌ها را به این باور رسانده است و همان‌طور که پیش از این اشاره شد، به صرف مجازات‌های قانونی اعم از جریمه و زندان، این باور در آن‌ها جدار تغییر نمی‌شود. شاید عجیب به نظر برسد اما تجربه ارتباط ما با تعدادی از این افراد، نشان می‌دهد برخلاف آنچه تصور می‌شود، سطح اطلاعات گروهی از دارندگان سلاح سرد، مثل بسیاری از مجرمان دیگر، پایین است. آن‌قدر که واقعا از جرم بودن حمل سلاح‌های سرد نامتعارف که در نزاع‌ها کاربرد دارند، بی‌خبرند.

دبیر شهر ترمیمی شهرداری مشهد اضافه می‌کند: برخی دیگر از حمل‌کنندگان سلاح سرد، به‌ویژه آن‌ها که در مناطق پیرامونی شهر زندگی می‌کنند با وجود برخورداری جامعه از امنیت قابل قبول، دچار احساس ناامنی و سرخوردگی هستند. آن‌ها این تصور را دارند که محشان خورده شده است و خودشان باید برای رسیدن به خواسته‌ها و گرفتن حششان، استین بالا بزنند. تجربه بنده می‌گوید تا این تصور، اصلاح نشود، ابزارهایی که آن‌ها استفاده می‌کنند و سلاح سرد یک موردش است، کاهش پیدا نمی‌کند؛ هرچند که مجازات‌ها تشدید شود. این احساس ناامنی ناشی از فراوانی تخلفات و جرائم کوچکی است که در شهر مشاهده می‌کنیم. چیزهایی به‌ظاهر، دم دستی از قبیل بی‌ضابطه بودن روابط خودرو دیگران مقابل پارکینگ منزل ما، سرقت‌های خرد و ... این بی‌نظمی‌ها حاصل جرم نظام یا جرم، حاصل استمرار این بی‌نظمی‌هاست؟ تئوری پنجره شکسته، می‌گوید دومی درست است.

نکته پایانی‌اش در خور تأمل است؛ اگر بنایی برای حل مسئله وجود داشته باشد: بیابید پس از تجربه‌های ناموفق بسیار در کنترل آسیب‌های اجتماعی، یک بار هم که شده، به‌جای پرداختن به نتیجه و اتخاذ راهکارهای فوری و بودجه‌بر، منوط کردن کار به پلیس و دستگاه قضا و مطالباتی از قبیل جریمه و دستگیری، اولویت را به راهکارهای اجتماعی بدهیم و کاهش حمل سلاح سرد را از دستگاه‌های فرهنگی مطالبه کنیم.

رسمی، همین قدر می‌دانیم که در ۷۰درصد نزاع‌های آنی، وسیله ارتکاب قتل، سلاح سرد است و حدود نیمی از دیگر کشی‌ها در خراسان رضوی نیز با سلاح سرد انجام می‌شود. پزشکی قانونی کشور از سال ۹۱ به این سو، داده‌های مرتبط را روی سایت خود به‌روزرسانی نکرده است. با اطلاع از خط قرمزهای احتمالی بارها با پزشکی قانونی استان تماس گرفتیم و خواستیم آماری کلی بدهد، داده‌هایی که نشان دهد آیا پس از تشدید مجازات‌های تولید، حمل و قاچاق سلاح سرد در سال ۱۹۶ اتفاق محسوسی در آمارهای پزشکی قانونی افتاده است؟ این پاسخ می‌توانست بستر تحلیل کارشناسان در رسانه‌ای شناسنامه‌دار را فراهم کند. باین‌حال، روابط عمومی پزشکی قانونی استان پس از گرفتن استعلام از مدیران خراسان رضوی نیز باوجود چند روز انتظار، بی‌نتیجه می‌ماند. محمد سروی، دبیر شهر ترمیمی، هم از اینکه آمارهای متقن در دسترس نیست، گله دارد، رویکردی که راه را بر تحلیل و گفت‌وگو در فضای عمومی می‌بندد. او تولید، قاچاق، عرضه و حمل سلاح سرد را جزو جرائم مانع می‌داند؛ یعنی رفتارهایی که در ذات خود ایرادی ندارند اما مثل تخلفات رانندگی، برای جرائم بعدی، حکم جاده‌صاف‌کن را دارند.

او نقطه مشترک دیدگاه کارشناسان برای کاهش جرائم مانع مثل حمل سلاح سرد را افزایش هزینه‌های جرم می‌داند؛ یعنی کاری کنیم که ارتکاب جرم برای افراد گران تمام بشود. «اختلاف دیدگاه‌ها از

بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی، به قول مشهدی‌ها، از قدیم عادتشان این بوده است که پَر شالشان، یک چاقو هم داشته باشند. ذائقه آن‌ها با کارهای فرهنگی، باید تغییر کند و با صرف تشدید مجازات، در تمایل به حمل سلاح سرد، تغییری ایجاد نمی‌شود

همین‌جا شروع می‌شود؛ گران تمام بشود یعنی چه؟ راه حل آنی و کوتاه‌مدت و به زعم بنده، بی‌فایده، فقط متوسل شدن به قانون و تشدید مجازات‌هاست. خود قانون‌گذار هم این‌را متوجه شده است که تشدید مجازات‌ها، دست‌کم در برخی جرائم فایده‌ای ندارد. تا وقتی تقاضا برای سلاح سرد وجود داشته باشد، بازار تولید، فروش و قاچاق آن داغ است؛ هرچندکه در قانون جرم‌انگاری شده باشد.»

- حقم را خورند

چاقوهای مشهد رو خیلی می‌خوان. می‌گوید از خون نمی‌ترسد؛ حتی آن دفعه که بعد از دعوا سر کفتر بازی، یک تکه از گوشت بازوی طرف را روی دست خودش دید، در این سال‌ها برای سلاح سرد، همیشه مشتری بوده. برخی را خریده و برخی را هم کش رفته است. قیمت‌ها را به‌روز می‌داند. هم سلاح سرد و هم سلاح گرم؛ خواه بادی باشد با تیرهای مشقی یا واقعی. «بین انواع سلاح سرد، نیمچه خیلی خواهون داره. یه چیزی بین شمشیر و قمه ست، دو لب. قیمتشم از ۱۰۰تومن تا ۴۰۳میلیون تومنه. بستگی داره به جنسش. فنر باشه گرونه. کلا کارای زنجان و قزوین و کلمبیا گروئن. کارای کلمبیا قاچاق می‌آد. بعضی فروشگاه‌های وسایل کوه‌نوردی، چند قلمش روز زیرمیزی دارن.»

می‌دانیم که نباید حرفی از درج اسم و رسمش بزنیم، وگرنه ممکن است با پس بکشد و شبیه مسئولانی که سراغشان رفتیم، گزینه ساده‌تر، یعنی سکوت را انتخاب کند.

می‌پرسیم: این قدر می‌گن برخورد جدی می‌کنیم، واقعا اگر قمه‌ای چیزی همراهات باشه، پلیس گیر می‌ده؟ می‌گوید: آره گیر می‌ده. البته بستگی داره باهاش چکار بکنی. توی ماشینت باشه یا دستت بگیرنی و نشون بدی، فرق داره. بار اولت باشه با دوم و سوم فرق داره. توی صندوق ماشین یکی از بچه‌ها قمه دیده بودن، ۲میلیون تومن جریمه شد. من با قمه، جلو پلیس عریضه کشیدم که حبس خوردم، دو سال.

الان چاقو یا قمه همراهش نیست. این‌طور ادعا می‌کند. اما عکسشان را از داخل گوشی‌اش نشان می‌دهد. پنج تا هستند با تیغ‌های بلند و بلندتر. «پنجه به کار نمی‌آد. دستام ضعیف. میون قمه‌ها، همیشه برام جنس مهم‌تر از قیافه بوده. تیغ بلندش رو برای قدرت‌نمایی خواستم و جنسشم

برای اینکه باهاش شیشه سفت جلو ماشین، راحت بشکنه. شیشه مغاره‌ها هم.»

اذغان می‌کند انواع سلاح سرد به راحتی، بدون محدودیت سنی و حتی در دست نوجوان‌ها هم پیدا می‌شود و لاقول آن‌طور که او می‌بیند، بیشتر از قبل به شده است. می‌پرسیم: ایراد کار کجاست؟ خودت گفتی که برخوردای پلیس و قوه قضائیه جدی است.

ساکت می‌شود و فکر می‌کند، نمی‌دانی به چه چیز. انگار در تمام این سال‌ها که شمار چاقو‌کشی‌هایش از دستش در رفته، تا حالا به گیر کار خودش و دوروبری هایش فکر نکرده است. شمرده‌شمرده می‌گوید: «گشتگی... بیکاری... بی‌فرهنگی...»

● ابزار قتل در ۷۰درصد نزاع‌های آنی
آمار قتل‌هایی که با سلاح سرد انجام می‌شود، جزو همان محرمانه‌های بی‌شمار است. براساس آمارهای